

قاعده فقهی «وجوب تأمین رفاه» به استناد ادله اربعه

نویسنده: دکتر مائده رضایی^۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۶

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۹

چکیده

رفاه و آسایش معقول آحاد جامعه از منظر ادیان الهی و سیره عقلا موضوعی ضروری است که وجوب نفقه زنان و کودکان بر پدر خانواده، وجوب وجوهات شرعی اعم از زکات و خمس و کفارات بر اغنیا و دولت‌ها در راستای برخورداری همگان از رفاه معقول و متعارف از قرائین مسئله است. در این میان و با گسترش تمدن و ابداع و ازدیاد امکانات زندگی و نقش آنها در تأمین رفاه معقول، این پرسش راهبردی طرح می‌شود که آیا تهیه امکانات جدید بر سرپرست یا دولت واجب است؟ رسیدن به پاسخ این پرسش و بیان حکم نیازمند طرح قاعده‌ای با عنوان «تأمین رفاه» است که از مجموع ادله اربعه اعم از کتاب، سنت، عقل و اجماع قابل استنباط است؛ مقوله‌ای که در این پژوهش، به ویژه با توجه به رسالت حکومت‌ها ناظر به شرایط خاص تحریمی و فشارهای اقتصادی از یکسو و ناهمواری‌های ایجاد شده ناشی از ویروس کرونا که تنگناهای اقتصادی به دنبال داشته، مورد فحص و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: رفاه اجتماعی، قاعده تأمین رفاه، اقتصاد اسلامی، ادله اربعه

مقدمه

شرایع آسمانی به خصوص دین اسلام عنایت ویژه‌ای به رفاه معقول و تأمین معیشت مردم دارند؛ هم‌چنان که در هر جامعه‌ای تبعیض طبقاتی و بی‌توجهی به مستمندان وجود داشته، انبیای الهی به نقد و اصلاح آن جوامع پرداخته‌اند.

از طرفی، قرآن کریم از آغاز تا پایان نزول بر معیشت مردم تأکید نموده است و پیشوایان معصوم نیز به طبع خط سیر قرآنی به این موضوع اهتمام نظری و عملی داشته‌اند تا حدی که تلاش برای تأمین رفاه خانواده و نیازمندان جامعه همسنگ جهاد و مبارزه در راه خدا و جلوگیری از تبعیض در رفاه، پیمان وثیق خداوند از فرمانروایان قلمداد گشته است. بر این اساس، سیره علمی و عملی فقها و علمای دین نیز بر وجوب تأمین معیشت مردم استوار بوده است و به طور کلی، هر عقل سلیمی تلاش برای تأمین رفاه مطلوب را تحسین می‌کند.

۱. دکترای تفسیر تطبیقی، گروه علوم قرآنی، دانشکده فقه و قرآن، جامعه المصطفیٰ علیه السلام العالمية (مدرسه عالی خواهران)،

مشهد، ایران، hozeh_rezaie@Yahoo.com

بیان این نکته لازم است که با گسترش تمدن و امکانات زندگی دایره مصادیق رفاه نیز توسعه می‌یابد؛ لذا تبیین حکم تأمین آن نیازمند ادله فقهی است که با تتبع و کاوش منابع فقهی چنین دریافت می‌شود که از مجموع دلایل نقلی و عقلی می‌توان قاعده فقهی «وجوب تأمین رفاه» را بنیان نهاد که می‌تواند پاسخگوی این نیاز به ویژه با توجه به شرایط اقتصادی امروز جامعه باشد. در این مقاله به اجمال، ادله این قاعده فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد که غور در این پژوهش با توجه به وضعیت کنونی مبنی بر شیوع ویروس کرونا کاربرد عملیاتی و اجرایی آن را نمایان‌تر می‌کند.

پیشینه پژوهش

با تتبع انجام شده، به نظر می‌رسد در میان آثار علمی به تألیفی که به کشف «قاعده وجوب تأمین رفاه» و استنباط این قاعده از ادله فقهی پرداخته باشد، به صورت تخصصی و مستقیم کار نشده است؛ هر چند پژوهش‌هایی با موضوعات مرتبط مثل بیمه عمر، بیمه حوادث، بیمه مهریه و یا بررسی مسئله با رویکرد فقهی به تأمین اجتماعی انجام شده است، از جمله آثار زیر:

- «اقتصادنا»، سید محمد باقر صدر، ۱۴۰۸؛ شهید صدر در این کتاب ارزشمند، پرده از نظام اقتصاد اسلامی به صورت دانشی نظام‌مند برداشته است تا جایی که تنها در یک فصل به مسئولیت دولت اسلامی در تأمین اجتماعی و معیشت کامل مردم از جانب شناختی پرداخته است.
- «نظری به نظام اقتصادی اسلام»، مرتضی مطهری، ۱۳۷۷؛ این اثر که ماحصل مجموعه یادداشت‌های شهید مطهری با رویکرد پژوهشی به مسائل اقتصادی اسلام است، در هشت بخش تخصصی به بررسی مسئله به ویژه با تبیین رویکردی نظری به اقتصاد در اسلام پرداخته شده است.
- «نظام اقتصادی اسلام: مبانی مکتبی»، سید حسین میرمعزی، ۱۳۸۹؛ نویسنده در این کتاب به بررسی مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و مهم‌ترین مبانی مکتبی نظام اقتصادی اسلام، هر کدام در هفت سرفصل اصلی پرداخته است.
- «مبانی فقهی-حقوقی تأمین اجتماعی»، حسین ابراهیمی، دانشگاه قرآن و حدیث؛ این پایان‌نامه کارشناسی ارشد با روش فقهی به تحلیل ادله نپرداخته و در برخی از فصل‌های آن نیز خروج موضوعی مشاهده می‌شود.

- «بایسته‌های فقه‌پژوهی در تأمین اجتماعی»، الیاس نادران و همکاران، ۱۳۹۱؛ نویسنده در بخشی از این مقاله به ناسازگاری‌های بیمه تأمین اجتماعی از دیدگاه فقه به ویژه میان اهل سنت پرداخته است.

مبانی نظری رفاه

۱. تبیین مفهومی

رفاه از ریشه «رفه» است که به صورت‌های زیر تعریف شده است:

- «الراء والفاء والهاء أصلٌ واحدٌ يدلُّ على نعمةٍ وسعةٍ مَطْلَبٍ... من ذلك الرَّفَاهَةُ في العيش والرَّفَاهِيَّةُ». (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۲۰)
- «الرَّفَاهَةُ والرَّفَاهِيَّةُ والرَّفَاهِيَّةُ: رَعْدٌ الخِصْبِ وَلينُ العيشِ». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۴۹۳)
- در اصطلاح علوم اجتماعی رفاه اجتماعی عبارتست از: «مجموعه سازمان‌یافته‌ای از آسودگی و استراحت، ناز و نعمت، فراخی عیش، سازواری، تن آسانی. (دهخدا، ۱۳۷۷، ماده رفه)
- قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد. (قنبری نیک، ۱۳۹۳)

۲. مدارک قاعده تأمین رفاه

قاعده تأمین رفاه و معیشت مردم مدارک و مستندات بسیاری در قرآن، سنت و فتاوی فقها دارد و سیره عقلا بر این امر جاری بوده که در ادامه و به اختصار نمونه‌ای از هر دسته اشاره شده، بیان می‌گردد و البته از براینده ادله اربعه مورد اشاره ناظر به رویکرد فقهی، می‌توان قاعده «وجوب تأمین رفاه» را استخراج نمود.

أ. آیات قرآن کریم

- آیاتی که در قرآن دلالت بر تأمین رفاه و معیشت مردم می‌کنند، به چند دسته زیر تقسیم می‌شوند:
- انتقاد از وضعیت نابسامان معیشتی مردم؛ برخی از این آیات مربوط به انتقاد پیامبران به جامعه و امت خود است (ر. ک: اعراف، ۸۵؛ قصص، ۷۶؛ هود، ۹۵) و بسیاری مربوط به انتقاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جامعه جاهلی عربستان است. (انعام، ۵۲؛ سجده، ۱۰؛ قلم، ۱۳؛ مطففین، ۱)
- تشویق به انفاق و تعاون؛ این آیات به دو دسته تقسیم می‌شوند: شماری بخشنده‌گی و انفاق را یکی از صفات پیامبران و انسان‌های درستکار معرفی کرده (مانده، ۵۵؛ مریم، ۵۴؛

احزاب، ۳۵) و شماری فرمان به انفاق و زکات باطنی^۱ داده‌اند. (ذاریات، ۱۹؛ معارج، ۲۵؛ بلد، ۱۶) موارد مصرف زکات باطنی به مستمندان نیز به ترتیب اولویت، خویشاوندان و همسایگان و سایرین بیان شده است.

- وضع کیفر مالی و صرف آن به مستمندان؛ در چندین آیه بر بعضی از گناهان کیفر مالی وضع شده و موارد مصرف آن به مستمندان اعلام شده است، هم‌چون دیه قتل خطایی (نساء، ۹۲) و شکستن سوگند به خدا (مائده، ۸۹).
- جبران مالی ترک عبادت و صرف آن به مستمندان؛ شرع مقدس اجازه ترک بعضی عبادات را به دلیل عذر صادر نموده و کفاره مالی را به عنوان جبران حق عبادی خدا واجب کرده است، مانند کفاره روزه‌خواری بیماران و پیران (بقره، ۱۸۴) و ترک حلق در حج (بقره، ۱۹۶) که این کفارات به فقرا داده می‌شود.
- وضع مالیات‌های شرعی؛ منابع مالیاتی اسلام شامل زکات مال، زکات فطره (بدن)، خمس، جزیه، انفال و غنائم است که بخش بیشتر موارد مصرف آن رسیدگی به معیشت مردم و رفاه ایشان است. (ر. ک: انفال، ۴۱؛ توبه، ۶۰؛ حشر، ۷-۶)
- حقوق مالی همسر و فرزند؛ هزینه زندگی با عنوان نفقه زوجه و فرزندان نابالغ و نادر بر عهده مرد خانواده در قالب شوهر یا پدر نهاده شده است که باید مطابق عرف نیازمندی ایشان را فراهم سازد. (بقره، ۲۳۳؛ طلاق، ۶)

ب. سنت و سیره

روایات در زمینه وجوب تأمین معیشت و رفاه مردم فراوان است که محدثان این سلسله روایات را در کتاب‌های زکات، خمس و جهاد جای داده‌اند؛ مانند غنائم، جزیه، خراج، بیت المال، تأمین رفاه اقلیت‌های مذهبی و اسیران و حتی می‌توان روایات کتاب تجارت را مرتبط با مدیریت تأمین اجتماعی دانست. در عین حال، به نظر می‌رسد دو روایت زیر که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده‌اند، سبک قواعد فقهی دارند که می‌توان آن‌ها را به عنوان قاعده وجوب تأمین رفاه بر شمرد:

- روایت «دعه»:

«خُمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُمْ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعِيشِ زَائِلًا لِعَقْلِ مَشْغُولِ الْقَلْبِ فَاولُهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ وَالثَّلَاثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَالرَّابِعَةُ الْاِنْسُ الْمُوَافِقُ [یعنی] الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ وَالْخَلِيطُ الصَّالِحُ وَالْخَامِسَةُ وَهِيَ

۱. آیات زکات و حق معلوم پیش از نزول آیه صدقات (زکات واجب) نازل شده‌اند.

تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالُ: الدَّعَةُ؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۵۲-۵۱) پنج چیز است که هر کس یکی از آن‌ها را نداشته باشد، همواره در زندگی کمبود دارد و کم‌خرد و دل‌نگران است: اول تندرستی، دوم امنیت، سوم روزی فراوان، چهارم همراه هم‌رأی که همسر و فرزند و همنشین خوب است و پنجم که در برگیرنده همه این‌هاست، رفاه و آسایش است.

معنای لغوی «دعه» رفاه و آسایش است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶: ۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۳۸۲) در این روایت به ابعاد رفاه یا دعه اشاره شده که عبارتند از سلامتی جسمی، امنیت، فراخی روزی و همدم دلخواه اعم از دوست، همسایه، همسر و اقوام؛ هم‌چنین آسیب‌های محرومیت از رفاه را نام برده است که عبارتند از کم‌بهرگی از زندگی، نابخردی و روان‌پریشی.

- روایت «معاش العباد»:

«وَأَمَّا تَفْسِيرُ التَّجَارَاتِ فِي جَمِيعِ الْبُيُوعِ وَوُجُوهِ الْحَلَالِ مِنْ وَجْهِ التَّجَارَاتِ الَّتِي يَجُوزُ لِلْبَائِعِ أَنْ يَبِيعَ مِمَّا لَا يَجُوزُ لَهُ وَكَذَلِكَ الْمُشْتَرِي الَّذِي يَجُوزُ لَهُ شِرَاؤُهُ مِمَّا لَا يَجُوزُ لَهُ فَكُلُّ مَأْمُورٍ بِهِ مِمَّا هُوَ غِذَاءٌ لِلْعِبَادِ وَقَوَامُهُمْ بِهِ فِي أُمُورِهِمْ فِي وَجُوهِ الصَّلَاحِ الَّذِي لَا يُقِيمُهُمْ غَيْرُهُ مِمَّا بَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَيَلْبَسُونَ وَيَنْكِحُونَ وَيَمْلِكُونَ وَيَسْتَعْمِلُونَ مِنْ جَمِيعِ الْمَنَافِعِ الَّتِي لَا يُقِيمُهُمْ غَيْرُهَا وَكُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ لَهُمْ فِيهِ الصَّلَاحُ مِنْ جِهَةٍ مِنَ الْجِهَاتِ فَهَذَا كُلُّهُ حَلَالٌ يَبِيعُهُ وَشِرَاؤُهُ وَإِمْسَاكُهُ وَاسْتِعْمَالُهُ وَهَيْئَتُهُ وَعَارِئَتُهُ»؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۸۴)

اما داد و ستدهای حرام عبارت است از خرید و فروش هر چیزی که مایه فساد باشد و از جهت خوردن، نوشیدن، کاسی، ازدواج، مالک شدن، نگهداشتن، بخشیدن، عاریه دادن ممنوع و مورد نهی خدا باشد یا از جهتی برای مردم فساد داشته باشد، مانند معاملات ربائی که مفسده‌آمیز است یا فروش مردار، خون، گوشت خوک، گوشت درندگان زمینی یا هوایی، پوست درندگان، شراب و تمامی نجاسات که این‌ها همه حرام و نامشروع است و از جهت مفاسدی که دارد تمامی تصرفات در آن‌ها چه خوردن و نوشیدن و پوشیدن چه نگهداشتن و مالک شدن و غیره همه حرام است و هم‌چنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی باشد یا موجب تقرب به غیر خدا یا باعث تقویت کفر و شرک گردد یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد یا باطلی را تقویت کند یا حق را تضعیف نماید، این‌ها همه فروش، خرید، نگه داشتن، مالک شدن، عاریه دادن و تمامی تصرفاتش حرام است جز این‌که ضرورتی پیش آید.

شاهد بر تأمین رفاه، عبارت «مِنْ جَمِيعِ الْمَنَافِعِ الَّتِي لَا يَقِيمُهُمْ غَيْرُهَا» است؛ با این بیان که بقا و ادامه زندگی مردم وابسته به تأمین این منافع و نیازهای اساسی شامل غذا و آشامیدنی، لباس، ازدواج، وسایل زندگی و خدمات لازم است.

این دو روایت هر چند دچار ضعف سندی هستند؛ اما قرائن و مؤیداتی از سایر روایات دارند که نشان می‌دهد می‌توان از مفاد آن استفاده نمود.

بیان این نکته نیز در کنار دو روایت بیان شده لازم است که در ادعیه و از جمله دعای زیر از امام محمد باقر علیه السلام رفاه یکی از نیازهای مؤمنان بیان شده تا زندگی دنیا و آخرت خود را با آن آباد سازند:

«أَسْأَلُكَ الرِّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَةٍ مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ وَأُبَلِّغُ بِهَا رِضْوَانَكَ وَأَصِيرُ بِهَا بِمَنْكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ غَدًا»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۸۷) خدایا! از تو می‌خواهم تا زنده هستم زندگی مرا مرفه گردانی، چندان که در طاعت تو نیرومندتر گردم و به خشنودی تو دست یابم و دنیا را بر من زندان نگردان و جدایی از آن را مایه اندوه من قرار نده.

هم‌چنین، فاضل مقداد ذیل آیه ۱۲۶ سوره بقره می‌نویسد:

«فِي الْآيَةِ دَلَالَةٌ عَلَى جَوَازِ سُؤْلِ اللَّهِ تَعَالَى الرِّزْقَ وَتَوْسِعَتَهُ بِلِ سُؤْلِ الرِّفَاهِيَةِ فِي الْمَعِيشَةِ وَحَسَنِ الْحَالِ وَطَيْبِ الْمَآكِلِ لِقَوْلِهِ «مِنْ الثَّمَرَاتِ»؛ (حلی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۳۳۶)

ج. اجماع فقها

فقها غالباً واژه «معیشت» را در معنای تأمین رفاه و در ابواب مختلف به خصوص استطاعت حج، مستحقین زکات و خمس، مکاسب، حجر و ضمان استعمال کرده‌اند (ر. ک: حلی، ۱۴۱۴: ۹۳) و واژه «رفاهیه» را در ابواب وقت نماز و به معنای وقت فضیلت به کار برده‌اند. (ر. ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۴۵)

در مجموع، ابواب فقهی مورد نظر تأمین معیشت را امری واجب تلقی کرده‌اند که به عنوان مثال در بحث نفقات آن مقدار از هزینه زندگی را که تأمین کننده رفاه باشد، واجب بیان نموده و بیش از آن را که توسعه نفقه است، مستحب دانسته‌اند. (بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۱۰: ۵۰۵)

مطلب راقی در این خصوص، رویکرد شهید صدر است که تأمین اجتماعی را یکی از اصول اقتصاد اسلامی و وظیفه دولت معرفی کرده است: «فرض الإسلام على الدولة ضمان معيشة افراد المجتمع الإسلامي ضمانا كاملا»؛ هم‌چنین در ادامه، دو سطح از رفاه را بر عهده دولت لازم

بر می‌شمرد که عبارت است از رفاه حداقلی و حیاتی و رفاه بیشتر از حیاتی و تا حد سیری که هر دو در طول هم هستند. (صدر، ۱۴۰۸: ۵۹)

د. سیره عقلا

عقلا از آغاز حیات بر کره خاکی، هم‌چنان در پی تأمین رفاه متناسب با امکانات زمان و مکان بوده و در زمان حاضر نیز شرکت‌های تعاونی، بیمه، صندوق‌های پول، مؤسسات خیریه داخلی و بین‌المللی با اهداف تأمین رفاه و امنیت اقتصادی مردم تأسیس شده‌اند.

بسط و گستره قاعده تأمین رفاه

بر اساس آیات و روایات، تأمین رفاه در دو سطح حداقلی و حداکثری است که در سطح نخست باید نیازمندی‌های معمولی و عرفی مردم متناسب با زمان و مکان رفع شوند که تأمین این مقدار رفاه واجب است.

در سطح دوم، وضعیت رفاه به توسعه ارتقا می‌یابد و مردم افزون بر آسایش، احساس خوشی می‌کنند که این مقدار رفاه مستحب است؛^۱ (بهبهانی، ۱۴۲۴، ج ۱۰: ۵۰۵) اما بیش از آن اسراف و ترف بوده و نکوهیده است. (ر. ک: حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۱۹۳)

بنابراین، دامنه رفاه متأثر از موقعیت‌های فردی و اجتماعی است؛ اما نباید از حداقلی باشد که امنیت، سلامت نسبی و رفع گرسنگی و تشنگی را تهدید کند.

در نتیجه با وقوع بحران‌های ناشی از حوادث طبیعی مثل زلزله، طوفان، خشکسالی، حریق، سیل، شیوع بیماری‌ها از جمله ویروس کرونا؛ حوادث سیاسی مثل انقلاب، کودتا، جنگ مسلحانه و بیولوژیک؛ مسائل اجتماعی مثل زنان و کودکان بی‌سرپرست، زنان سرپرست خانواده، مسئله طلاق، مسائل دوران تحصیل، مرگ عزیزان و واقعیت‌های اقتصادی مثل بیکاری، تورم، ورشکستگی

۱. «المراد من التوسعة الأمور الزائدة علی ما یجب علی الوالد والزوج کمصارف السفر والضيوف والتزّهات».

(سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۲۷۳)

و شروع به کار، تأمین رفاه توسط دولت‌ها متناسب با وضعیت اقتصادی و میزان کمک و مشارکت اجتماعی مردم از سطوح حداقلی تا مطلوب، متفاوت می‌شود.

تطبیق قاعده تأمین رفاه

کارایی قاعده تأمین رفاه زمانی است که اگر در وجوب تأمین خدمتی یا کالایی یا تکلیفی برای افراد تحت سرپرستی کسی یا برای آحاد ملت، تردید و ناهمگونی پیش آید، مطابق این قاعده اگر مصداق رفاه به شمار آید، تأمین آن واجب خواهد شد؛ نظیر تأمین خدمتگزار برای زوجه‌ای که مناسب شأن اوست که مطابق فتوای بعضی از مراجع از اقلام نفقه به شمار آمده است. (امام خمینی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۱۶)

مطابق با این قاعده، تأمین درمان و بهداشت آحاد مردم نیز بر دولت نر واجب خواهد بود؛ هم‌چنین اگر تأمین رفاه مستلزم وضع تکلیفی یا هزینه‌ای بر ذی‌نفع باشد، سرپرست و دولت می‌تواند آن را بر او وضع کند. در وضعیت فعلی نیز که جهان گرفتار همه‌گیری ویروس کرونا شده است رسیدگی به بهداشت افراد و درمان مبتلایان به موجب قاعده تأمین رفاه بر سرپرستان و دولت اسلامی واجب است و از باب مقدمه واجب باید ذینفعان را مکلف به التزام به توصیه‌های بهداشتی و درمانی کند.

نتیجه‌گیری

قاعده فقهی تأمین رفاه و معیشت مردم مدارک و مستندات فراوانی در ادله اربعه دارد؛ از جمله در قرآن کریم که در چند دسته به بررسی این مسئله پرداخته می‌شود، مثل انتقاد از وضعیت نابسامان معیشتی مردم، تشویق به اتفاق و تعاون، وضع کیفر مالی، جبران مالی ترک عبادت، وضع مالیات‌های شرعی، حقوق مالی همسر و فرزند و...

از طرفی، روایات در زمینه وجوب تأمین معیشت و رفاه مردم نیز به فراوانی مشاهده می‌شود؛ اما دو روایت «دعه» و «معاش العباد» سبک قواعد فقهی دارند، لذا می‌توان آن‌ها را به عنوان قاعده وجوب تأمین رفاه بر شمرد. هم‌چنین روایاتی مانند غنائم، جزیه، خراج، بیت المال، تأمین رفاه اقلیت‌های مذهبی و اسیران را می‌توان از روایات این حوزه برشمرد؛ مضافاً آن‌که می‌توان روایات کتاب تجارت را مرتبط با مدیریت تأمین اجتماعی و رفاه مردم دانست. بر این اساس و در ادعیه، رفاه یکی از نیازهای مؤمنان طرح شده که با استفاده از آن، زندگی دنیا و آخرت خود را آباد سازند.

فقه‌ها نیز غالباً واژه معیشت را در معنای تأمین رفاه و در ابواب مختلف به ویژه استطاعت حج، مستحقین زکات و خمس، مکاسب، حجر و ضمان استعمال کرده‌اند؛ هم‌چنان که عقلاً همواره در

پی تأمین رفاه متناسب با امکانات زمان و مکان بوده‌اند تا جایی که در عصر معاصر، شرکت‌های تعاونی، بیمه، صندوق‌های پول، مؤسسات خیریه داخلی و بین‌المللی با اهداف تأمین رفاه و امنیت اقتصادی مردم تأسیس شده‌اند.

بنابراین، بر اساس آیات و روایات تأمین رفاه در دو سطح حداقلی و حداکثری مراد است و همان‌طور که بیان شد، در سطح نخست باید نیازمندی‌های معمولی و عرفی مردم متناسب با زمان و مکان رفع شود و در سطح دوم وضعیت رفاه به توسعه ارتقا می‌یابد.

در نتیجه، کارایی قاعده فقهی تأمین رفاه در زمانی است که اگر شک در وجوب تأمین خدمتی یا کالایی یا تکلیفی برای افراد تحت سرپرستی کسی یا برای آحاد ملت پیش آید، اگر مصداق رفاه به شمار آید، تأمین آن واجب خواهد شد؛ لذا این قاعده تعیین‌کننده میزان خدمات‌دهی سرپرست خانواده و دولت در رسیدگی به رفاه مردم به ویژه در بحران‌هایی مثل شیوع ویروس کرونا در حال حاضر است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، حسین. مبانی فقهی-حقوقی تأمین اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قرآن و حدیث.
۳. ابن فارس، ابوالحسن، احمد (۱۴۰۴). معجم مقائیس اللغة. بیروت: دار الفکر.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. الطبع ۳. بیروت: دار الفکر.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۳). تحریر الوسیلة. الطبع ۳. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۶. بهبهانی، محمد باقر بن محمد (۱۴۲۴). مصابیح الظلام. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه‌السلام.
۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه‌السلام.
۹. حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵). کنز‌العرفان فی فقه القرآن. قم: منشورات مرتضوی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴). الزکاة فی الشریعة الإسلامية الغراء. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه‌السلام.
۱۲. صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۸). اقتصادنا. الطبع ۲۰. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۳. قنبری نیک، سیف‌الله (۱۳۹۳). رفاه اجتماعی.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. بتصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامية.

۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: انتشارات صدرا.

۱۶. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۹). نظام اقتصادی اسلام: مبانی مکتبی. قم: کانون اندیشه جوان.

۱۷. نادان، الیاس. آفانظری، حسن. و سید رضا حسینی (۱۳۹۱). بایسته‌های فقه‌پژوهی در تأمین اجتماعی. اسلام و علوم اجتماعی. شماره ۸: ۵۴-۳۴.